

بررسی رفتارهای ارتباطی - نظارتی والدین دانشجویان بومی و غیربومی و تاثیر آن بر وضعیت تحصیلی - اجتماعی آنها[□]

Effects of the Parents' Relational and Supervision Behavior of Native and Non-Native University Students on their Educational Achievement and Social Adjustment*

Mohammad Ali Mazaheri; Ph.D. [✉]

Mansure Sadat, Sadeghi; Ph.D.

Mahmood Heidari; Ph.D.

دکتر علی مظاهری *

دکتر منصوره السادات صادقی **

دکتر محمود حیدری **

Abstract

The purpose of this study was to examine the parents' relational and supervision behavior of native and non-native university students on their educational achievement and social adjustment in 5 different universities in Iran. 2636 individuals, including 1318 unmarried undergraduate university students from Shahid Beheshti, Tabriz, Isfahan, Shahre-Kord, and Gilan universities (421 underachieved students (US), 411 students with good achievement who were matched with the US group, 237 maladjusted students (MS), and 245 students with no problem in their adjustment and/or achievement who were matched with the MS group), and 1318 of their parents (father, mother) were selected through a systematic sampling. Both members of the family (student and his/her parent) completed the Quality of Relationships with Family and Parents' Supervision Scale, separately. Results revealed that the frequency of the non-native students in the MS group was significantly higher than the native students. Also it was shown that mean

چکیده

هدف از مقاله حاضر - به عنوان یک پژوهش ملی - بررسی تاثیر رفتار ارتباطی و نظارتی والدین بر وضعیت تحصیلی - اجتماعی دانشجویان بومی و غیربومی دانشگاه‌های مختلف ایران می باشد. تعداد ۲۶۳۶ نفر متشکل از ۱۳۱۸ نفر دانشجوی از میان دانشجویان مجرد دوره‌های کارشناسی دانشگاه‌های شهید بهشتی، تبریز، اصفهان، شهرکرد و گیلان (دانشگاه‌های جامع دولتی تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گروههای آموزشی پنج گانه) و ۱۳۱۸ نفر پاسخگو (والد یا یکی از افرادی که به عنوان مراقب اصلی با دانشجو زندگی می کند)، با روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. معیار انتخاب پیشرفت تحصیلی و سازگاری اجتماعی با محیط دانشگاه بوده است که در این چارچوب از میان دانشجویان ۴۲۱ دانشجوی مشروط و ۴۱۱ نفر معادل مشروط، ۲۳۷ دانشجوی کمیته انضباطی، ۲۴۵ نفر معادل کمیته انضباطی، انتخاب شدند. سپس هر دو عضو خانواده‌های شرکت کننده در طرح (دانشجو و والد پاسخگو) به طور جداگانه مقیاس سنجش کیفیت ارتباط با خانواده و میزان نظارت والدین را تکمیل کردند. یافته‌های پژوهش با استفاده از روشهای آماری، تحلیل واریانس یکراهه و دوراهه، t مستقل و آزمون

* Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, I.R. Iran.

✉Email: m-mazaheri@ac.ir, Tel:(+98)21-29902366

□ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۲/۲۹، تصویب نهایی: ۱۳۸۸/۱۲/۱۶
* این پژوهش با حمایت مالی معاونت فرهنگی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انجام شده است.
**دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهیدبهشتی

scores of the "Relationship" as reported by both student and parent, parents' report of the "Quality of Relationship", students' and parents' reports of the "Supervision", and parents' report of the "Necessity of Supervision" subscales were significantly higher for the native students. It was also revealed that mean scores of the "Relationship" as reported by both students and parents, parents' reports of the "Quality of Relationship", students' and parents' reports of the "Supervision", and parents' reports of the "Necessity of Supervision" were significantly higher for those students who live with their families compare with those living at university dormitories. Discussion is focused on applying attachment theory in adults and considering the process of leaving home and city for going to university as a strange situation, living in dormitory which decrease the relationships with family and parents' supervision, and also leads to the sense of losing the most effective source of social support in students.

Keywords: family relationships, parents' supervision behavior, non-native university students, educational achievement, social adjustment.

مجدورکا تحلیل شد. مقایسه نتایج گزارش شده نشان داد نسبت فراوانی مشاهده شده به فراوانی مورد انتظار تعلق به گروه کمیته انضباطی در دانشجویان غیربومی بیشتر از دانشجویان بومی است و میانگین نمرات ارتباط از دید فرزند و والد، گرمی ارتباط از دید والد، نظارت از دید فرزند و والد و لزوم نظارت از دید والد در گروه دانشجویان بومی در مقایسه با غیربومی، به گونه معناداری بالاتر است. همچنین میانگین نمرات متغیرهای ارتباط از دید فرزند و والد، گرمی ارتباط از دید والد، نظارت از دید فرزند و والد و لزوم نظارت از دید والد در دانشجویانی که محل سکونت آنها همراه خانواده است در مقایسه با دانشجویان ساکن خوابگاه به شکل معناداری بالاتر است. در تفسیر موارد فوق به تبیینهای احتمالی کاربرد نظریه دلبستگی در دوران بزرگسالی و در نظرگرفتن فرایند ترک خانه برای دانشگاه به عنوان یک موقعیت ناآشنا، ترک استان و شهر و انتقال به خوابگاه و در نتیجه کاهش نظارت و حمایت والدین و احساس از دست دادن مهمترین منبع حمایت اجتماعی خود، وجود مسافتهای طولانی و قادر نبودن والدین برای رفت و آمد به محل تحصیل فرزندان و پیامد آن فقدان ارتباط مطلوب و عدم کنترل و نظارت کافی بر وضعیت تحصیلی و اجتماعی دانشجویان، اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: رفتارهای ارتباطی - نظارتی، دانشجویان بومی، دانشجویان غیربومی، وضعیت تحصیلی، وضعیت اجتماعی

● مقدمه

وضعیت تحصیلی - اجتماعی فرزندان، بحثی گسترده است که از زوایای مختلف قابل مطالعه است (دس فورگس و آبوچار، ۲۰۰۶). یکی از این زوایا، عوامل درون خانوادگی و میزان مهار و حمایت والدین است. پاول و وایت (۱۹۹۰) تأکید می کنند تأثیرات کیفیت و کنش محیط خانواده بر دانشجویان هم از دیدگاه تجربی و هم از دیدگاه نظری بسیار مهم تلقی شده است و این ایده که تجربه های فرد در خانواده نقش تعیین کننده ای در چگونگی پاسخ های بزرگسالان جوان در روابط بین شخصی ایفا می کند، به طور عمومی مورد اقبال قرار گرفته است.

تائو و همکاران (۲۰۰۰) اعتقاد دارند مهمترین خصوصیت این دوره که در عین حال یکی از مهمترین دوره های گذار در طول حیات بشمار می آید، تغییرات بزرگی است

که ممکن است در ارتباطات شخص و یا محیط اجتماعی فرد پدید آید و در نتیجه آن نیز ادراک از حمایت اجتماعی به صورت کمی و کیفی تغییر کند. فیشر^۱، فریزر^۲ و مورای^۳ (۱۹۸۶) و تاتمانی^۴ (۱۹۷۹)، هر دو به نقل از تائو و همکاران، (۲۰۰۰) این قبیل تغییر و تحولات را به مثابه دوباره سازی ارتباطات بین شخص و محیط دانسته، و معتقدند این فشار می تواند با بروز اختلالات جسمی و روانی در افراد مرتبط باشد.

ورود به دانشگاه خصوصا اگر با دوری از خانه و خانواده همراه باشد یکی از بزرگترین تغییرات در این دوره گذار است که می تواند منجر به بروز تنیدگی هایی در دانشجویان شود. به اعتقاد کریزی و لد (۲۰۰۴) مرحله ورود به دانشگاه به دلیل جدایی از مراقبین اصلی و به وجود آمدن ارتباطات دلبستگی جدید، مرحله مهمی در زندگی دانشجویان است. در مطالعات کریزی (۲۰۰۲a)، فرمن و همکاران (۲۰۰۲) و رویزن^۵ و همکاران (۲۰۰۲)، به نقل از کریزی و لد، (۲۰۰۴) گزارش شد دانشجویانی که واجد «دلبستگی ایمن» هستند، نسبت به همتایان دلبسته «نا/ایمن» خود رفتارهای مدیریتی مناسب تر و راه حل های مؤثرتری در موقعیتهای متعارض اتخاذ می کنند. در همین زمینه «لوپز» و همکاران (۱۹۸۸، ۱۹۸۹ a و ۱۹۸۹ b، همه به نقل از تائو و همکاران، ۲۰۰۰) نتایج مجموعه ای از مطالعات در مورد اهمیت ساختار خانواده بر روی سازگاری و عملکردهای روان شناختی دانشجویان را کنار هم قرار داده و نتیجه گرفتند مهمترین عواملی که در بروز و افزایش نشانه های افسردگی دانشجویان نقش دارند شامل درگیری بیش از حد والد- فرزند، ترس از جدایی در خانواده، «جابجا شدن نقش والد- فرزند»^۶ و تعارضات زناشویی می باشد. این پژوهشگران اعتقاد دارند بروز مشکل در خانواده باعث ناسازگاری تحصیلی، اجتماعی و عاطفی در دانشجویان شده و در نتیجه منجر به ایجاد مشکلاتی در شکل گیری دلبستگی به دانشگاه می شود. شکل گیری دلبستگی ایمن در فرزندان باعث می شود تنیدگی ناشی از فرایند ترک خانه و انتقال به دانشگاه که از نظر کنی (۱۹۸۷) می تواند یک «موقعیت نا آشنا»^۷ باشد، با دلبستگی مناسب به دانشگاه و همسالان کاهش یابد.

در مطالعات جوامع شرقی (از جمله تائو و همکاران، ۲۰۰۰)، نتایج پژوهشهای متعدد در چارچوب دوری دانشجویان از خانواده برای تحصیل در دانشگاه برخلاف مطالعات در جوامع غربی (مانند: دوباس و پترسون، ۱۹۹۶، و اکائر^۸ و همکاران، ۱۹۹۶،

به نقل از دوباس و پترسون، ۱۹۹۶) می‌باشد. در نتایج پژوهش‌های متعدد در جوامع غربی گزارش شده است بزرگسالان جوانی که تماس بیشتری با والدینشان دارند یا از لحاظ مکان جغرافیایی به والدین نزدیک تر هستند، سازگاری روان شناختی ضعیف تری دارند، در حالی که مطالعات جوامع شرقی (از جمله تائو و همکاران، ۲۰۰۰) نشان داده است که دوری از خانه و خانواده منجر به بروز اختلالهای زیادی در سازگاری تحصیلی، اجتماعی و عاطفی دانشجویان می‌شود. به عنوان نمونه تائو و همکاران (۲۰۰۰) توضیح دادند که دلیل خصوصیات متمایزی که در متن اجتماعی جامعه چین نسبت به جوامع غربی وجود دارد، منبع حمایت والدین، یکی از بزرگترین منابع حمایت اجتماعی و مالی دانشجویان می‌باشد که دوری از این منبع، دانشجویان را با مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌کند.

در ایران نیز هر ساله بیش از یک میلیون نوجوان وارد دانشگاه می‌شوند و به دلیل اینکه بیشتر دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ یا متوسط قرار دارند، جوانان اغلب برای رفتن به دانشگاهی مناسب، شهر و خانه خود را ترک و به شهر و استان دیگری می‌روند و بدین ترتیب نظارت والدین و نیز میزان حمایت آنها از فرزندان بزرگسال جوان خود در دانشگاه‌ها خیلی کمتر می‌شود، اما بدیهی است که به هر حال این ارتباط، حمایت و نظارت همچنان (کم یا بیش) وجود دارد. از دیگر سو، با ورود نوجوانان به دوره بزرگسالی، والدین معمولاً با کاهش تدریجی سطح نظارت خود بر جوانان، انتظار دارند که جوانان خود به صورت خودکار یا خودخواسته به اعمال نظارت درونی بر خود همت گمارند. این در حالی است که مسئله جدا شدن زود هنگام فرزندان از خانواده اصلی در فرهنگ فردگرایی غرب امری طبیعی و تعریف شده است، زیرا در این فرهنگ‌ها معمولاً در اواخر دوره نوجوانی، و حداکثر در اوایل بزرگسالی، نوجوان از خانواده جدا شده و زندگی مستقلی را شروع می‌کند، اما در فرهنگ متفاوت و تقریباً جمع‌گرای ایرانی، فرزندان تا قبل از ازدواج از والدین خود جدا نشده و با آنها زندگی می‌کنند.

اگر چه در پژوهش‌ها به این نکته اشاره شده است که خصوصیت و عملکردهای حمایت اجتماعی وابسته به محتوای فرهنگی خاص هر جامعه است (تائو و همکاران، ۲۰۰۰)، اما کمبود چشمگیر این گونه تحقیقات در جوامع غیرغربی فهم ما را از نقش

خصوصیات فرهنگی در عملکردهای حمایت اجتماعی محدود کرده است. در این چارچوب موضوع مقایسه وضعیت تحصیلی - اجتماعی دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های محل زندگی خود و نیز تاثیر محل سکونت و دوری از خانه و خانواده بر وضعیت سازگاری دانشجویان در قومیتها و فرهنگهای مختلف، یکی از مهمترین زمینه‌های علاقه‌مندی روانشناسان بین فرهنگی و فرهنگی محسوب می شود و زمینه ای تقریبا جدید و نوپا، اما در عین حال بسیار جذاب و ضروری است. پژوهشگران در بررسیهای خود به تحقیقی که به بررسی و مقایسه این موضوع در حوزه خانواده و با نگاهی مقایسه‌ای بین دانشگاه‌های مختلف ایرانی پرداخته باشد، دست نیافتند. در پژوهش حاضر سعی شده است تا نخستین بار در ایران به بررسی این موضوع پرداخته شود که آیا دانشجویانی که خانواده‌های (والدین) آنها ارتباط و نظارت بیشتری بر وضعیت تحصیلی و رفتاری آنها دارند، از وضعیت تحصیلی، سازشی و رفتاری بهتری در دانشگاه برخوردار می شوند؟

● جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

«جامعه آماری» پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان مجرد دوره‌های کارشناسی دانشگاه‌های جامع دولتی تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گروههای آموزشی پنج گانه می باشد. از جامعه آماری فوق پنج دانشگاه، شهید بهشتی، تبریز، اصفهان، گیلان و شهرکرد انتخاب شدند. انتخاب دانشگاه‌های مذکور به دلیل انتخاب دو دانشگاه جامع از شهر تهران، یک دانشگاه از شهرهای بزرگ کشور و دو دانشگاه از شهرهای به نسبت کوچک تر کشور بود. که نمونه‌گیری به صورت هدفمند در هر یک از این دانشگاه‌ها انجام شد. گروه نمونه شامل چهار گروه به شرح ذیل بود:

۱. دانشجویان مقطع کارشناسی که مشکل تحصیلی دارند (حداقل یکبار مشروط و نیز معدل کل ۱۳ به پایین).
۲. دانشجویان مقطع کارشناسی که مشکل تحصیلی و انضباطی ندارند و از نظر تحصیلی معدل آنها بالاتر از میانگین گروه خود است و سابقه مشروط شدن هم نداشته باشند؛ و با گروه ۱ جور هستند.
۳. دانشجویان مقطع کارشناسی که مشکل انضباطی - رفتاری داشته و دارای پرونده

منجر به تصمیم‌گیری در کمیته انضباطی هستند.

۴. دانشجویان مقطع کارشناسی که مشکل انضباطی- رفتاری ندارند و از نظر تحصیلی معدل آنها بالاتر از میانگین گروه خود است و با گروه ۳ جور هستند.

● روش اجرا

بدین ترتیب با توجه به معیارهای ورود و خروج، در هر یک از ۵ دانشگاه محل اجرای طرح، فرایند زیر اعمال شد:

۱. پس از تهیه لیست کامل دانشجویان مشروط (بند ۱) از اداره آموزش دانشگاه و لیست کل دانشجویان کمیته انضباطی (بند ۳) از کمیته انضباطی دانشگاه ذیربط، چنانچه تعداد این دانشجویان در آن دانشگاه بیشتر از یکصد نفر بود، تعداد ۱۰۰ نفر از ۵ گروه با توجه به متغیرهای جنس، سال ورود، گروه آموزشی، رشته و شهر محل سکونت به صورت نمونه برداری سهمیه‌ای و براساس نسبت‌های موجود در این متغیرها انتخاب شدند. ولی چنانچه تعداد این دانشجویان معادل یا کمتر از ۱۰۰ نفر بود تمامی آنها به عنوان گروه نمونه در نظر گرفته می‌شدند.

۲. پس از انتخاب هدفمند گروه‌های نمونه مشروط و کمیته انضباطی، با در نظر گرفتن تشابه جنسی، سال ورود، رشته، روزانه یا شبانه، بومی یا غیر بومی بودن دانشجویان، گروه‌های معادل آنها از بین دانشجویان همان کلاس‌ها و به همان تعداد انتخاب شدند.

۳. سپس پرسشگران با هماهنگی آموزش و استاد مربوطه به کلاس‌ها مراجعه و پرسشنامه‌های مشخص شده مخصوص دانشجویان را برای تکمیل به دانشجویان دادند. البته نه دانشجویان (و نه پرسشگران) متوجه انتخاب خود براساس لیست تهیه شده از کمیته انضباطی و یا آموزش براساس وضع تحصیلی یا سازشی خود نشدند.

۴. پس از اتمام نمونه‌گیری، پرسشگران با مراجعه به پرونده‌های آموزشی، شماره تلفن منزل پدری (محل سکونت) دانشجویان را برای برقراری ارتباط با یکی از والدین آنها یادداشت نمودند و با والدین دانشجویان انتخاب شده ارتباط تلفنی برقرار نمودند. ذکر این نکته ضروری است که پرسشنامه مخصوص والدین

براساس یک مصاحبه ساخت یافته توسط خود پرسشگران تکمیل شد. لازم به توضیح است که فرایند نمونه گیری در دانشگاه گیلان به دلیل عدم همکاری مسئولین مربوطه روندی کند داشت که در نهایت با توجه به اینکه اسامی دانشجویان در اواخر دوران امتحانی و اوایل تعطیلات تابستانی تهیه شد، شیوه نمونه گیری در این دانشگاه به اجبار با دانشگاه‌های دیگر تفاوت پیدا کرد. در این دانشگاه پرسشگران با توجه به تعطیلی و عدم تشکیل کلاس‌ها هر دو فرم پرسشنامه دانشجوی و والد پاسخگو توسط پرسشگران و از طریق برقراری ارتباط تلفنی تکمیل شد. به دلیل تفاوت نمونه گیری دانشگاه گیلان با سایر دانشگاه‌ها پس از جمع آوری اطلاعات، داده‌های این دانشگاه ابتدا به طور جداگانه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت و با سایر نتایج مقایسه شد. سپس با توجه به اینکه داده‌های این دانشگاه نیز تفاوتی با سایر داده‌ها نداشت، اطلاعات جمع آوری شده از این دانشگاه به سایر اطلاعات اضافه، و مورد تجزیه و تحلیل نهایی قرار گرفت.

بدین ترتیب با اجرای روش فوق در مجموع تعداد ۲۶۳۶ نفر مشکل از ۱۳۱۸ نفر دانشجو (۴۲۱ نفر مشروط و ۴۱۱ نفر معادل مشروط، ۲۳۷ نفر کمیته انضباطی، ۲۴۵ نفر معادل کمیته انضباطی)، و ۱۳۱۸ والد (یا یکی از افرادی که به عنوان مراقب اصلی با دانشجو زندگی می‌کند) در پژوهش شرکت کردند. ذکر این نکته ضروری است که دلیل نابرابر بودن گروههای کمیته انضباطی و یا مشروط با گروههای معادل آنها غیبت و عدم دسترسی به دانشجویان و یا عدم همکاری آنها در تکمیل پرسشنامه می‌باشد.

○ ابزار پژوهش

برای تهیه ابزاری معتبر جهت ارزیابی شکل، کمیت و کیفیت میزان ارتباط و نظارت والدین و نیز سطح ارتباط با دانشگاه و میزان اطلاع از وضعیت تحصیلی- رفتاری فرزندان دانشجوی خود، از دیدگاه والدین و دانشجویان با استناد به منابع و پیشینه تجربی از جمله شیفر (۱۹۵۹)، به نقل از آقاجری، (۱۳۷۴)، باوم ریند (۱۹۷۱)، به نقل از برزونسکی، (۲۰۰۴) و با توجه به اهداف پژوهش حاضر، ابعاد «کیفیت ارتباط با خانواده» (ارتباط و گرمی ارتباط) و «میزان نظارت والدین» (نظارت و لزوم نظارت) که در مجموع نوع و چگونگی رفتار ارتباطی- نظارتی والد- فرزند را نشان می‌دهد، به عنوان چارچوب اصلی برای تدوین این پرسشنامه در نظر گرفته شد و بر این اساس

یک پرسشنامه ۲۳ ماده ای با ۴ زیرمقیاس؛ «ارتباط»، «گرمی ارتباط»، «نظارت» و «لزوم نظارت»، جهت سنجش رفتار ارتباطی - نظارتی والد - فرزند تهیه شد.

«روایی» پرسشنامه براساس نظرخواهی از متخصصان روان شناسی انجام گرفت. «اعتبار» پرسشنامه نیز از طریق مطالعه مقدماتی بر روی ۱۵ نفر از دانشجویان و والدین آنها انجام شد. اعتبار ابزارها در مطالعه مقدماتی توسط آلفای کرونباخ برای پرسشنامه والدین ۰/۸۵ و برای پرسشنامه دانشجویان ۰/۸۱ به دست آمد. اعتبار این پرسشنامه‌ها در پژوهش حاضر نیز از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۶ برای پرسشنامه والدین ۰/۸۷ و برای پرسشنامه دانشجویان ۰/۸۵ به دست آمده است.

این پرسشنامه ۲۳ سؤالی از نوع لیکرت می باشد که ۱۰ سؤال مربوط به «ارتباط و گرمی ارتباط» است و کیفیت ارتباط والدین - فرزند را می سنجد، ۹ سؤال مربوط به نظارت تحصیلی و اجتماعی است؛ که میزان اطلاعات والدین را در مورد وضعیت تحصیلی و اجتماعی دانشجویان (از دیدگاه دانشجویان و والدین) اندازه گیری می کند و در نهایت ۴ سؤال که لزوم نظارت در مورد وضعیت تحصیلی و اجتماعی دانشجویان را (از دیدگاه دانشجویان و والدین) می سنجد. پاسخ دهندگان روی یک مقیاس ۵ گزینه ای نشان می دهند که هر یک از سؤالهای آزمون تا چه حد رفتار ارتباطی - نظارتی والدین را توصیف می کند. در واقع در این مقیاس ارزیابی رفتار ارتباطی - نظارتی والدین و دانشجویان یکبار از دید دانشجویان و دیگر بار از دید والدین ارزیابی می شود. نمرات «ارتباط»، «گرمی ارتباط»، «نظارت» و «لزوم نظارت» با جمع کردن سؤالهایی که مربوط به آن عوامل هستند و تقسیم حاصل جمع بر تعداد سؤالها به دست می آید. بدین ترتیب گستره نمرات برای هر یک از زیرمقیاسها از ۱ تا ۵ در تغییر می باشد. نمره بالاتر در مقیاس ارتباط به معنای ارتباط و محبت بیشتر یا کیفیت بهتر در ارتباط (از دیدگاه والد یا دانشجو) می باشد. نمره بالاتر در مقیاس نظارت نیز به معنای اعمال نظارت و کنترل بیشتر و نیز اعتقاد بیشتر به لزوم نظارت به رفتار دانشجو در حوزه های مختلف اجتماعی، تحصیلی و رفتاری (از دیدگاه فرزند یا والد) می باشد.

● یافته ها

داده های جمعیت شناختی این پژوهش نشان می دهد گستره سنی دانشجویان

شرکت کننده در طرح از ۱۸-۳۰ سال با میانگین سنی ۲۱/۷۰، برای پدران آنها ۸۰-۳۵ سال با میانگین سنی ۵۲/۸۷، و گستره سنی برای مادران ۷۶-۳۰ سال با میانگین سنی ۴۷/۳۶ می باشد. همچنین تعداد دانشجویان در گروه مشروط ۴۲۱ نفر با ۴۱۱ نفر معادل، و در گروه کمیته انضباطی ۲۳۷ نفر با ۲۴۵ نفر معادل می باشد. از این تعداد ۲۰۳ نفر دختر در مقابل ۲۱۸ نفر پسر در گروه مشروط، ۲۲۱ نفر دختر در مقابل ۱۹۰ نفر پسر در گروه معادل مشروط، ۹۷ نفر دختر در مقابل ۱۴۰ نفر پسر در گروه کمیته انضباطی، و ۱۰۰ نفر دختر در مقابل ۱۴۵ نفر پسر در گروه معادل کمیته انضباطی قرار دارند.

از نظر شهر محل سکونت ۶۱۵ نفر (۴۶/۷٪) از دانشجویان بومی (ساکن در شهر محل تحصیل خود) بوده و ۷۰۰ نفر (۵۳/۱٪) نیز غیر بومی بوده اند. از نظر نوع محل سکونت نیز در حالی که ۶۶۶ نفر (۶۰/۱ غیر بومی و ۶۵ بومی) در خوابگاه های دانشجویی ساکن بوده اند، ۵۷۵ نفر (۵۳/۵ بومی و ۴۰ غیر بومی) با خانواده های خود زندگی می کرده اند و ۷۲ نفر (۵۷ غیر بومی و ۱۵ بومی) هم در منازل اجاره ای سکونت داشته اند.

در جدول ۱ با استفاده از آزمون مجذورکا به بررسی نسبت بومی و غیربومی بودن دانشجویان در بین گروه های کمیته انضباطی، مشروط و گروه های معادل آنها پرداخته شد. همان طور که در این جدول نشان داده شده است تفاوت های معنادار به گونه ای است که کمتر از ۳۷٪ از دانشجویان بومی به گروه کمیته انضباطی تعلق دارند و بیش از ۶۳٪ گروه کمیته انضباطی را دانشجویان غیربومی تشکیل می دهند.

جدول ۱- فراوانی دانشجویان بومی و غیر بومی در گروه های چهارگانه دانشجویان و نتایج آزمون مجذورکا

جمع	گروه ها			فراوانی بومی بودن
	معادل کمیته انضباطی	کمیته انضباطی	معادل مشروط	
۶۱۳	۱۰۱	۸۷	۲۰۶	۲۱۹
۶۹۸	۱۴۴	۱۵۰	۲۰۳	۲۰۱
۱۳۱۱	%۲۴۵	%۲۳۷	%۴۰۹	%۴۲۰

$$\chi^2(3) = 19/65 \quad p = 0/001$$

به دنبال رابطه معنادار بومی و غیربومی دانشجویان و تعلق به گروه های کمیته انضباطی، معادل کمیته انضباطی، مشروط و معادل مشروط در جدول ۲ با استفاده از

آزمون t مستقل بررسی شد که آیا متغیرهای کیفیت ارتباط با خانواده و میزان نظارت والدین (از دید دانشجویان و والدین آنها) در بین دانشجویان بومی و غیربومی تفاوت معنادار دارند؟

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار نمرات مقیاسهای چندگانه در گروههای دانشجویان بومی و غیربومی و نتایج آزمون t

مستقل در مقایسه میانگین نمرات

متغیرها	شاخص بومی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	Df	سطح معناداری
ارتباط از دید فرزند	بومی	۶۱۵	۴/۰۴	۰/۷۱	۳/۷۴	۱۳۱۲	۰/۰۰۱
	غیربومی	۶۹۹	۳/۸۸	۰/۷۶			
ارتباط از دید والد	بومی	۵۹۳	۴/۳۱	۰/۵۸	۴/۵	۱۲۶۰	۰/۰۰۱
	غیربومی	۶۶۹	۴/۱۶	۰/۶۱			
گرمی ارتباط از دید فرزند	بومی	۶۱۵	۳/۵۷	۰/۷۳	۰/۶۸	۱۳۱۱	۰/۴۹۱
	غیربومی	۶۹۸	۳/۵۵	۰/۶۸			
گرمی ارتباط از دید والد	بومی	۵۹۳	۳/۹۶	۰/۵۹	۲/۹۵	۱۲۶۰	۰/۰۰۳
	غیربومی	۶۶۹	۳/۸۶	۰/۵۶			
نظارت از دید فرزند	بومی	۶۱۵	۳/۸۱	۰/۶۲	۶/۰۶	۱۳۱۱	۰/۰۰۱
	غیربومی	۶۹۸	۳/۵۹	۰/۶۷			
نظارت از دید والد	بومی	۵۹۲	۳/۸۹	۰/۵۴	۵/۹۷	۱۲۵۹	۰/۰۰۱
	غیربومی	۶۶۹	۳/۷	۰/۵۷			
لزوم نظارت از دید فرزند	بومی	۶۱۵	۲/۶۹	۰/۸۲	۰/۴۸	۱۳۱۳	۰/۶۳۲
	غیربومی	۷۰۰	۲/۶۶	۰/۸۴			
لزوم نظارت از دید والد	بومی	۵۹۳	۲/۶۳	۱/۰۹	۵/۱	۱۲۶۱	۰/۰۰۱
	غیربومی	۶۷۰	۲/۳۴	۰/۹۰			

همان طور که در جدول ۲ نشان داده شده است به جز میانگین نمرات متغیرهای «گرمی ارتباط از دید فرزند» و «لزوم نظارت از دید فرزند»، که در بین دانشجویان بومی و غیربومی تفاوت معناداری ندارد، میانگین نمرات مابقی متغیرها در بین دو گروه تفاوت معنادار دارد. به طوری که میانگین نمرات تمام متغیرهای «ارتباط از دید فرزند»، «ارتباط از دید والد»، «گرمی ارتباط از دید والد»، «نظارت از دید فرزند»، «نظارت از دید والد» و «لزوم نظارت از دید والد» در دانشجویان بومی در مقایسه با دانشجویان غیربومی بالاتر است.

به عبارت دیگر دانشجویان و والدین دانشجویان بومی در تعامل خود با یکدیگر

ارتباط و گرمی ارتباط بیشتری گزارش نموده و نیز والدین این دانشجویان و خود فرزندان، نظارت بیشتر والدین بر وضعیت تحصیلی و اجتماعی فرزندان را گزارش کرده‌اند. همچنین والدین دانشجویان بومی در مقایسه با والدین دانشجویان غیربومی نظارت بر وضعیت تحصیلی و اجتماعی دانشجویان را الزامی‌تر می‌دانند.

با توجه به تفاوت‌های مشاهده شده در جدول‌های ۱ و ۲ از طریق آزمون تحلیل واریانس دوراهه به بررسی تعامل عامل‌های بومی و غیربومی و گروه‌ها و تأثیر آن بر متغیرهای پژوهش پرداخته شد. نتایج بررسی داده‌ها نشان داد که علیرغم تفاوت‌های معنادار تأثیر هر کدام از عامل‌های بومی بر متغیرهای پژوهش (بجز تأثیر معنادار بر متغیرهای گرمی ارتباط از دید فرزند و والد و لزوم نظارت از دید فرزند)، تنها تأثیر تعامل عامل‌های گروه‌ها و بومی و غیربومی با یکدیگر بر متغیر «گرمی ارتباط از دید والد» از لحاظ آماری معنادار است. در جدول ۳ نتایج تأثیر عامل‌های بومی و غیربومی و گروه‌های چهارگانه به طور مجزا و در تعامل با یکدیگر بر متغیر گرمی ارتباط از دید والد نشان داده شده است. همان‌طور که در جدول مذکور نشان داده شده است تأثیر عامل‌های بومی و غیربومی و گروه‌ها در تعامل و نیز به تفکیک بر متغیر گرمی ارتباط از دید والد معنادار می‌باشد. بنابراین طبق نتایج جدول ۳ میانگین نمرات متغیر «گرمی ارتباط از دید والد» در دانشجویان گروه کمیته انضباطی نسبت به سایر گروه‌ها پایین‌تر است. به عبارت دیگر والدین این گروه از دانشجویان، کیفیت ارتباط با فرزندان دانشجوی خود را ضعیف‌تر یا پایین‌تر ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۳- نتایج آزمون تحلیل واریانس دوراهه نمرات متغیر گرمی ارتباط از دید والد در تعامل بومی و غیربومی و

گروه‌ها

شاخص عامل	مجموع مجذور مجدورها	درجه آزادی	مجذور میانگین	F	p	نتایج آزمون شفه
گروه‌ها	۱۹/۴۷	۳	۶/۴۹	۱۹/۹۸	۰/۰۰۱	گروه کمیته انضباطی با
بومی و غیربومی	۱/۲۵	۱	۱/۲۵	۳/۸۴	۰/۰۵	تمام گروه‌ها، $p < ۰/۰۰۸$ و
تعامل گروه‌ها و بومی و غیربومی	۳/۱۵	۳	۱/۰۵	۳/۲۳	۰/۰۲۱	مشروط با معادل مشروط
خطا	۴۰۶/۱۸	۱۲۵۰	۰/۳۲	-	-	$p < ۰/۰۳$

در جدول ۴ نتایج داده‌ها در زمینه بررسی رابطه بین فراوانی تعلق به گروه‌های چهارگانه و محل سکونت دانشجویان مشاهده می‌شود. همان‌طور که در این جدول

نتایج آزمون مجذورکا نشان می دهد تفاوتها معنادار است، به گونه ای که در گروه دانشجویان ساکن خوابگاه فراوانی مشاهده شده گروه کمیته انضباطی بالاتر از فراوانی مورد انتظار، و فراوانی مشاهده شده گروه مشروط در دانشجویانی که همراه خانواده زندگی می کنند بالاتر از فراوانی مورد انتظار است. به عبارت دیگر در حالی که از بین دانشجویان ساکن خوابگاه ۲۲٪ متعلق به گروه کمیته انضباطی هستند، کمتر از ۱۴٪ از دانشجویان که همراه خانواده خود سکونت دارند، گروه کمیته انضباطی را تشکیل داده اند. دانشجویان ساکن منزل اجاره ای نیز بین دو گروه فوق قرار دارند.

جدول ۴- فراوانی تعلق دانشجویان به گروههای چهارگانه براساس نوع سکونت آنها و نتایج آزمون مجذورکا

جمع	گروهها				فراوانی محل سکونت
	معادل مشروط	مشروط	معادل کمیته انضباطی	کمیته انضباطی	
۶۶۶	۱۹۸	۱۸۹	۱۳۲	۱۴۷	خوابگاه
۵۷۴	۱۹۲	۱۹۹	۱۰۵	۷۸	همراه خانواده
۷۲	۲۰	۳۳	۷	۱۲	اجاره ای
۱۳۱۲	۴۱۰	۴۲۱	۲۴۴	۲۳۷	جمع

$$\chi^2(6) = 25/92 \quad p < 0/001$$

در جدول ۵ میانگین و انحراف معیار نمرات مقیاسهای چندگانه (ارتباط، گرمی ارتباط، نظارت و لزوم نظارت) در دانشجویان ساکن خوابگاه، همراه خانواده و ساکن منزل اجاره ای با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یکراهه بررسی شده است. طبق نتایج جدول مذکور میانگین نمرات متغیرهای ارتباط از دید فرزند و والد، گرمی ارتباط از دید والد، نظارت از دید فرزند و والد و لزوم نظارت از دید والد در بین گروههای دانشجویان با محل سکونت مختلف به گونه ای معنادار است که میانگین نمرات این متغیرها در دانشجویان ساکن خوابگاه پایین ترین میانگین را دارد. به عبارت دیگر دانشجویان و والدین دانشجویانی که همراه خانواده زندگی می کنند ضمن اینکه در ارتباط خود با یکدیگر محبت و گرمی ارتباط بالاتری گزارش کرده اند، نظارت و کنترل بیشتری نیز بر وضعیت تحصیلی و اجتماعی فرزندان خود دارند. ذکر این نکته نیز ضروری است که دانشجویان ساکن منزل اجاره ای تفاوت معناداری نشان نداده اند (البته شاید به دلیل فراوانی کم آنها در مقایسه با دو گروه دیگر) ولی توجه به نتایج تحلیل

داده‌ها بیانگر این مطلب است که این گروه با گروه همراه خانواده تشابه بیشتری نشان داده‌اند.

جدول ۵- میانگین و انحراف معیار نمرات مقیاسهای چندگانه با توجه به محل سکونت دانشجویان و نتایج تحلیل

واریانس آن

متغیرها	شاخص / گروهها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	F	سطح معناداری	آزمون تعقیبی شفه
ارتباط از دید فرزند	خوابگاه	۶۶۵	۳/۸۷	۰/۷۶۰	۱۳۱۰	۹/۸۲	۰/۰۰۱	گروه ساکن خوابگاه با همراه خانواده، $p < ۰/۰۰۱$
	همراه خانواده	۵۷۵	۴/۰۵	۰/۷۱۲				
	اجاره ای	۷۱	۴/۰۲	۰/۷۵۴				
ارتباط از دید والد	خوابگاه	۶۳۷	۴/۱۵	۰/۶۲۷	۱۲۵۷	۱۲/۱۰	۰/۰۰۱	گروه ساکن خوابگاه با همراه خانواده، $p < ۰/۰۰۱$ و اجاره ای، $p < ۰/۰۰۴$
	همراه خانواده	۵۵۶	۴/۳۱	۰/۵۸۶				
	اجاره ای	۶۵	۴/۳۸	۰/۵۰۴				
دید فرزند گرمی ارتباط از دید فرزند	خوابگاه	۶۶۳	۳/۵۵	۰/۶۷۵	۱۳۰۸	۰/۱۱	۰/۸۸۸	
	همراه خانواده	۵۷۵	۳/۵۶	۰/۷۴۷				
	اجاره ای	۷۱	۳/۶۰	۰/۶۵۷				
دید والد گرمی ارتباط از دید والد	خوابگاه	۶۳۷	۳/۸۵	۰/۵۶۴	۱۲۵۷	۶/۳۵	۰/۰۰۲	گروه ساکن خوابگاه با همراه خانواده، $p < ۰/۰۰۸$
	همراه خانواده	۵۵۶	۳/۹۶	۰/۶۰۶				
	اجاره ای	۶۵	۴/۰۳	۰/۵۴۱				
نظارت از دید فرزند	خوابگاه	۶۶۴	۳/۵۹	۰/۶۶۸	۱۳۰۸	۱۹/۵۶	۰/۰۰۱	گروه ساکن خوابگاه با همراه خانواده، $p < ۰/۰۰۱$
	همراه خانواده	۵۷۴	۳/۸۲	۰/۶۲۲				
	اجاره ای	۷۱	۳/۶۹	۰/۶۷۸				
نظارت از دید والد	خوابگاه	۶۳۷	۳/۶۵	۰/۵۸۴	۱۲۵۶	۳۷/۷۵	۰/۰۰۱	گروه ساکن خوابگاه با همراه خانواده، $p < ۰/۰۰۱$
	همراه خانواده	۵۵۵	۳/۹۳	۰/۵۲۲				
	اجاره ای	۶۵	۳/۸۱	۰/۵۴۷				
دید فرزند لزوم نظارت از دید فرزند	خوابگاه	۶۶۵	۲/۶۳	۰/۸۳۱	۱۳۱۰	۱/۵۸	۰/۲۰۵	
	همراه خانواده	۵۷۵	۲/۷۲	۰/۸۴۴				
	اجاره ای	۷۱	۲/۶۶	۰/۸۲۴				
دید والد لزوم نظارت از دید والد	خوابگاه	۶۳۸	۲/۳۸	۰/۹۳۰	۱۲۵۸	۷/۰۸	۰/۰۰۱	گروه ساکن خوابگاه با همراه خانواده، $p < ۰/۰۰۲$
	همراه خانواده	۵۵۶	۲/۵۹	۱/۰۸۰				
	اجاره ای	۶۵	۲/۶۱	۰/۹۹۹				

● بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر به مقایسه تاثیر رفتار ارتباطی و نظارتی والدین بر وضعیت تحصیلی -

اجتماعی دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف پرداخت تا موضوع نقش کمیت و کیفیت ارتباط و نظارت خانواده‌ها و پیامدهای آن در سازگاری تحصیلی و اجتماعی فرزندان آنها را با نگاهی مقایسه‌ای بین دانشجویان بومی و غیربومی بررسی نماید. به طور خلاصه نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد نسبت فراوانی مشاهده شده به فراوانی مورد انتظار تعلق به گروه کمیت انضباطی در دانشجویان غیربومی بیشتر از دانشجویان بومی است و والدین دانشجویان بومی و فرزندان جوان آنها در تعامل خود با یکدیگر ارتباط و گرمی ارتباط بیشتری گزارش نموده‌اند. همچنین والدین این دانشجویان و نیز خود دانشجویان اعتقاد به نظارت و کنترل بیشتر والدین بر وضعیت تحصیلی و اجتماعی خود دارند. البته والدین دانشجویان بومی در مقایسه با والدین دانشجویان غیربومی نظارت و کنترل را بر دانشجویان ضروری‌تر می‌دانند. همچنین ارتباط و کنترل مطلوب‌تر والدین و فرزندان در دانشجویانی که همراه خانواده خود زندگی می‌کنند در مقایسه با دانشجویان ساکن خوابگاه مشاهده می‌شود.

در تبیین یافته فوق می‌توان از نظریه دلبستگی استفاده کرد. چنانچه هیل (۲۰۰۵) نیز معتقد است، کاربرد این نظریه به فهم روابط «والد- فرزند» در طی اواخر دوران نوجوانی و انتقال به دانشگاه، بخصوص دوران ترک خانه و خانواده، کمک شایانی می‌کند. طبق نظریه بالبی^۹ (۱۹۶۹ به نقل از کنی، ۱۹۸۷) «دلبستگی» رابطه عاطفی بین والد- فرزند است که اگر درست شکل گیرد می‌تواند منجر به رشد و توسعه استقلال در فرزند شود. این «شکل دلبستگی»^{۱۰} پایه ایمنی و حمایتی فراهم می‌کند که به کودک جرات جستجوگری و کشف دنیای جدید را می‌دهد و باعث رشد توانایی هوشی و اجتماعی وی می‌شود. به باور کنی (۱۹۸۷) فرایند ترک خانه برای دانشگاه نیز می‌تواند به عنوان یک «موقعیت ناآشنا» در نظر گرفته شود که در فرد دلبسته ایمن با وجود والدین در دسترس و حمایت‌کننده، این موقعیت ناآشنا می‌تواند منجر به رشد استقلال شود. نتایج پژوهشهای متعددی از جمله؛ کباک و اسکری (۱۹۸۸)؛ کنی (۱۹۹۰) و بلاستین و همکاران (۱۹۹۱) از ایده کنی حمایت کرد. البته نتایج پژوهش حاضر برخلاف نتایج مطالعات رایس و همکاران (۱۹۹۵) و گرابر^{۱۱} و بروکس‌گان^{۱۲} (۱۹۹۶)، به نقل از سمتانا و همکاران، (۲۰۰۴) می‌باشد. این پژوهشگران در مطالعه خود گزارش کردند دختران دانشجویی که در خانه زندگی می‌کنند یا در مرحله انتقالی ترک خانه

هستند نسبت به دختران دانشجویی که خانه را ترک کرده اند، ارتباط منفی تری با والدینشان دارند. البته این نتایج در مورد دخترانی که در خانه هستند یا در مرحله انتقالی ترک خانه هستند، نیز نسبت به پسران با همان شرایط مشابه تایید شد. این پژوهشگران توضیح دادند فقدان فرصت کافی برای تعارض با نقشهای والدینی و انتظارات والدین و نیز فرصت بیشتر برای استقلال در تصمیم گیری منجر به کاهش روابط منفی می شود. سماتا و همکاران (۲۰۰۴) اعتقاد دارند نتایج این یافته‌ها می تواند تا حدودی تحت تأثیر فرهنگ نیز قرار بگیرد.

○ بیرز و گوسنس (۲۰۰۳) نیز که سازگاری دانشجویان بلژیکی را بررسی می کردند، به نتایجی خلاف یافته‌های رایس و همکاران (۱۹۹۵) رسیدند. آنها اعتقاد دارند تفاوت‌های فرهنگی نمونه بلژیکی با نمونه آمریکایی در مطالعه رایس منجر به این تفاوت‌ها می شود. تائو و همکاران (۲۰۰۰) نیز ضمن اشاره به تفاوت متن اجتماعی چین و جوامع غربی، توضیح می دهد هنگامی که دانشجویان برای ورود به دانشگاه مجبور به ترک شهر خود و انتقال به خوابگاه هستند، این قبیل دانشجویان با توجه به کاهش نظارت و حمایت والدین و احساس از دست دادن مهمترین منبع حمایت اجتماعی خود دچار مشکلات و اختلالهای سازگاری می شوند. به نظر می رسد با توجه به خصوصیات متمایزی که در متن اجتماعی ایران با جوامع غربی وجود دارد (تأکید بیشتر بر پیوستگی خانواده و نزدیک تر بودن پیوندهای بین والد- فرزند) احتمال بروز ناسازگاری اجتماعی (فراوانی بیشتر تعلق به گروههای کمیته انضباطی در دانشجویان غیربومی) دور از ذهن نباشد.

○ همچنین به سبب اینکه دانشجویان در مسافتهای طولانی و دور از خانه و خانواده زندگی می کنند، و نیز به دلیل اینکه والدین کمتر قادر هستند تا به محل تحصیل فرزندان رفت و آمد داشته باشند، شاید والدین نتوانند به نحو مطلوب بر فرزندانشان نظارت کافی داشته باشند یا با آنها در مورد مشکلاتشان صحبت کنند (نتایج اشاره شده در بند بعدی نیز در حمایت از یافته حاضر می باشد). ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می آید که در ایران علاوه بر حمایت اجتماعی، معمولاً والدین تنها منبع حمایت مالی دانشجویان هستند. به نظر می رسد در ایران نیز تفاوت خصوصیات فرهنگی و جمعیت شناختی شرقی (تأکید بر پیوستگی در خانواده و وجود پیوندهای عاطفی نزدیک تر) و

نیز تحمیل هزینه‌های افزون‌تر برای دانشجویان غیر بومی با توجه به ترک شهر و استان و حضور در دانشگاه (هزینه‌های رفت و آمد، تلفن و...) می‌تواند منجر به کم شدن منابع حمایت مالی و اجتماعی بزرگ والدین برای دانشجویان و ایجاد تفاوت‌ها گردد. یافته دیگر پژوهش حاضر که در راستای یافته‌های بند قبلی نیز می‌تواند باشد، ارتباط و کنترل مطلوب‌تر والدین و فرزندان در دانشجویانی است که همراه خانواده خود زندگی می‌کنند (در مقایسه با دانشجویان ساکن خوابگاه). نتیجه یافته فوق مغایر با گزارش وایت و همکاران (۱۹۸۳) است. این محققین اعتقاد دارند که در اواخر نوجوانی یکی از مشکلات مهم این دوره، شکل‌گیری و رسیدن به فردیت رشد یافته و موفق است که البته عوامل متعددی نیز در ایجاد این مشکل دخیل هستند. همچنین در برخی پژوهشها گزارش شده است بزرگسالان جوانی که تماس بیشتری با والدینشان دارند یا از لحاظ مکان جغرافیایی به والدین نزدیک‌تر هستند، سازگاری روان‌شناختی ضعیف‌تری نسبت به افرادی دارند که از منزل والدینشان دور بوده و یا تماس کمتری با والدین خود دارند (دوباس و پترسون، ۱۹۹۶). برخلاف یافته‌های فوق، بیرز و گونسس (۲۰۰۳) اعتقاد دارند رشد استقلال در روابط با والدین با احساسات منفی نسبت به والدین ارتباط دارد. به نظر می‌آید تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی بین نمونه‌های ذکر شده توضیحی برای این تفاوت‌ها باشد. تائو و همکاران (۲۰۰۰) نیز گزارش دادند که دفعات حضور دانشجویان در منزل و همدردی و همدلی والدین با آنها در مورد امور دانشگاهی نقش مهمی در سازگاری تحصیلی و اجتماعی دانشجویان و سلامت روان‌شناختی آنها ایفا می‌کند.

ویتتر و یاف (۲۰۰۰) اعتقاد دارند یکی از دلایلی که علیرغم استقلال نسبی در این دوره باز هم ارتباط و نظارت والدین را می‌طلبد، این است که حمایت عاطفی و درک متقابل والدین در این دوران پر از تنیدگی باعث سلامت روان دانشجویان می‌شود. بنابراین اهمیت دخالت والدین در امور مربوط به فرزندان و شریک شدن در نگرانی‌ها که مربوط به امور زندگی دانشجویی آنها است، ممکن است چالش‌ها را برای نوجوانان روشن کند و در انتخاب سبک مقابله‌ای مناسب راهنما باشد (ویتتر و یاف، ۲۰۰۰). طبق نظر سماتا و همکاران (۲۰۰۴) از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم شکل‌گیری درست دلبستگی جوانان به دانشگاه، دلبستگی آنها به والدین و نیز درک جوانان از میزان نزدیکی و

حمایت والدین از آنها در طی این دوران می‌باشد. تائو و همکاران (۲۰۰۰) نیز تاکید دارند تماس محدود دانشجویان با والدین و عدم نظارت کافی و کمبود حمایت‌های اجتماعی، عاطفی، و احتمالاً مالی، والدین از دانشجویان باعث می‌شود والدین نتوانند به نحو مطلوب بر فرزندانشان نظارت کافی داشته باشند یا با آنها در مورد مشکلاتشان صحبت کنند.

بدین ترتیب، در یک جمع بندی نهایی از یافته‌های این پژوهش می‌توان چنین عنوان کرد که هم مسئله پیشرفت و موفقیت تحصیلی و هم مسئله سازگاری رفتاری و اجتماعی با محیط دانشگاه، تا حد بسیار زیادی ریشه در کمیت و خصوصاً کیفیت روابط فعلی دانشجو با والدین و خانواده خود دارد. یافته‌ها و نتایج به وضوح حاکی از آن است که تسهیل ارتباط بیشتر، گرمتر و مستقیم دانشجویان با خانواده و والدین و خود، تاثیرات مهم و معناداری بر بهبود وضعیت تحصیلی و رفتار اجتماعی و انضباطی دانشجویان دارد. به عنوان نمونه: دانشجویان بومی به شکل معناداری کمتر در گروه‌های مشروط و کمیته انضباطی قرار داشته‌اند و دانشجویانی که محل سکونت آنها همراه خانواده بوده است، به شکل معناداری کمتر در گروه‌های مشروط و کمیته انضباطی قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب تلاش برای نگهداشتن دانشجویان در شهرهای محل سکونت خود یا حداقل نزدیکتر نگهداشتن دانشجویان به محل سکونت خود - حداقل در دوره‌های کارشناسی و پایین تر که هنوز سازگاری دانشجو با محیط دانشگاه به خوبی ایجاد نشده است - به نحوی که دسترسی و امکان رفت و آمد سهل‌تر و بیشتری را برای دانشجویان و والدین آنها را فراهم نماید، به عنوان یک اقدام مهم پیشگیرانه محسوب می‌شود که نظام برنامه‌ریزی دانشگاه‌ها بایستی به طور جدی‌تر به آن بیاورند. البته در این زمینه مسایل و مشکلات مهمی از قبیل تفاوت زیاد سطح کیفی دانشگاه‌ها و تهدید عدالت اجتماعی در تامین وضعیت‌های آموزشی برابر و حفظ حقوق دانشجویان شهرستان‌های دور نیز بایستی به طور جدی مورد توجه قرار گرفته و تمهیداتی برای آن اندیشیده شود.

○ لازم به توضیح است که اگرچه در این پژوهش دو متغیر کلی «ارتباط» و «نظارت والدین» مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است و تاثیر هر دو متغیر نیز به طور مکرر و به وضوح نشان داده شده و مورد تایید قرار گرفته است، اما واریسی دقیق‌تر و

موشکافانه تر نتایج، این واقعیت را آشکار می سازد که مسیر نظارت موثر و کارآمد نیز صرفاً از شاهراه روابط- و البته روابط کیفی یا گرم و صمیمی- می گذرد. به عبارت دیگر وقتی کیفیت روابط مناسب نیست، صرفاً کمیت روابط و یا اعمال نظارت والدین موثر نیست. مقایسه نمرات ارتباط و نظارت دانشجویان گروه کمیته انضباطی که همراه خانواده خود زندگی می کنند با نمرات آن گروه از دانشجویان گروه کمیته انضباطی که جدای از خانواده خود (خوابگاه یا منزل اجاره ای) سکونت دارند، نشان می دهد که اگرچه در گروه سکونت با خانواده فراوانی این روابط از دید والد افزایش می یابد، ولی کیفیت روابط، هم از دیدگاه فرزند، و هم از دیدگاه والد، کاهش می یابد و این در حالی است که متغیر نظارت، هم از دید فرزند و هم از دید والد، افزایش می یابد، ولی از آنجا که این افزایش نظارت با روابط کیفی همراه نمی شود، فاقد تاثیر کافی است. بدین ترتیب یافته های مذکور در تایید این نتیجه گیری نهایی است که برای دست یافتن به نظارتی موثر و کارآمد لازم است روابطی غنی و صمیمی با فرزندان برقرار گردد.



یادداشت ها

- | | |
|----------------------|-------------------------------|
| 1- Fisher | 2- Frazer |
| 3- Murray | 4- Totmany |
| 5- Roisman | 6- parent-child role reversal |
| 7- strange situation | 8- O'Connor |
| 9- Bowlby | 10- figure attachment |
| 11- Gruber | 12- Broxgun |

منابع

- آقاجری، زهره (۱۳۷۴). بررسی تأثیر شیوه فرزند پروری والدین بر عزت نفس و سازگاری فرزندان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء.
- Beyers, W. & Goossens, L. (2003). Psychological separation and adjustment to university: Moderating effects of gender, age, and perceived parenting style. *Journal of Adolescent Research*. 18(4): 363-382.
- Berzonsky, M. (2004). Identity style, parental authority, and identity commitment. *Journal of Youth and Adolescence*. 33(3): 213-220.
- Blustein, D. L., Walbridge, M. M., Friedlander, M. L., & Palladino, D. E. (1991). Contributions of psychology separation and parental attachment to the career development process. *Journal of Counseling psychology*. 38: 39-50.

- Creasey, G. (2002). Associations between working models of attachment and conflict management behavior in romantic couples. *Journal of Counseling Psychology*. 49: 365-375.
- Creasey, G., & Ladd, A. (2004). Negative mood regulation expectancies and conflict behaviors in late adolescent college student romantic relationships: The moderating role of generalized attachment representations. *Journal of Research on Adolescence*. 14(2): 235-255.
- Desforges, C., & Abouchar, A. (2006). *The impact of parental involvement, parental support and family education on pupil achievements and adjustment: A literature review*. Available from: <http://www.findarticles.com> [Accessed June 18th, 2007].
- Dubas, J. S., & Petersen, A. C. (1996). *Geographical distance from parents and adjustment during adolescence and young adulthood*. Available from: <http://www.findarticles.com> [Accessed June 20th, 2007].
- Forehand, R., Wierson, M., Thomas, A. M., Armistead, L., Kempton, T., & Neighbors, B. (1991). The role of family stressors and parent relationships on adolescent functioning. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*. 30: 316-322.
- Furman, W., Simon, V., Shaffer, L., & Bouchev, H. (2002). Adolescents' working models and styles of relationships with parents, friends, and romantic partners. *Child Development*. 73: 241-255.
- Hill, C. H. (2005). *Adjustment among college students experiencing parental divorce as young adults*. A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in the Department of Educational Studies in Psychology, Research Methodology, and Counseling in the Graduate School of the University of Alabama.
- Kenny, M. E. (1990). College seniors' perceptions of parental attachments: The value and stability of family ties. *Journal of College Student Development*. 31: 39-46.
- Kenny, M. E. (1987). The extent and function of parental attachment among first-year college students. *Journal of Youth and Adolescence*. 16: 17-27.
- Kobak, R., & Sceery, A. (1988). Attachment in late adolescence: Working models, affect regulation, and representation of self and others. *Child Development*. 58: 135-146.
- McCarthy, C. J., Brack, C. J., Hsin-tine, T. L., & Carlson, M. H. (1998). Relationship of college students' current attachment to appraisals of parental conflict. *Journal of College Counseling*. 1(2): 135-154.
- Rice, K. G., Fitzgerald, D. P., Whaley, T. J., & Gibbs, C. L. (1995). Cross-sectional and longitudinal examination of attachment, separation-individuation, and college student adjustment. *Journal of Counseling & Development*. 73: 463-474.
- Purdie, N., Carrol, A., & Roche, L. (2004). Parenting and adolescent self-regulation. *Journal of Adolescence*. 27: 663-676.

- Paul, E. L., & White, K. M. (1990) The development of intimate relationships in late adolescence. *Adolescence*. 25: 374-400.
- Purdie, N.; Carrol, A. & Roche, L. (2004). Parenting and adolescent self-regulation. *Journal of Adolescence*. 27: 663-676.
- Reitzle, M. (2006). The connections between adulthood transitions and the self-perception of being adult in the changing contexts of East and West Germany. *European Psychologist*. 11: 25- 38.
- Smetana, G. J., Metzger, A., & Campione-Barr, N. (2004). Conflict and cohesion in African American adolescents' relationships with parents: A five-year longitudinal study. Paper presented at a symposium on "Parent-Adolescent Conflict, Family Relationships, and Adolescent Adjustment" at Biennial Meetings of the Society for Research on Adolescence, Baltimore, MD, March, 2004.
- Tao, S., Dong, Q., Pratt, M. W., Hunsberger, B., & Pancer, S. M. (2000). Social support: Relations to coping and adjustment during the transition to university in the Peoples' Republic of China. *Journal of Adolescent Research*. 15: 123-144.

